

مادر بزرگ‌های عشق فوتبال

گفت‌وگو با نوبی ۹۰ ساله طرفدار «آلومینیوم اراک» و آشنایی با چند مادر بزرگ دیگر که عاشق فوتبال هستند و علاقه‌شان نشان دهنده نقش اجتماعی فوتبال در جامعه است

روز گذشته تصویر مهمان ویژه‌ای که باز یکنان تیم آلومینیوم اراک را قبل از سفر به تهران برای بازی با استقلال بدرقه کرد، مورد توجه رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. شاگردان «رسول خطیبی» که قرار است امروز در ورزشگاه آزادی به مصاف استقلال بروند، در تمرین آخرشان یک هوادار ویژه داشتند، پیرزن ۹۰ ساله‌ای که یکی از طرفداران پروپاقرص آلومینیوم اراک است، تیمی که امسال برای اولین بار راهی لیگ برتر شده تا در بالاترین سطح فوتبال کشور مان، حضور داشته باشد و طرفدارانش از دیدن رقابت‌های تیم‌شان با بزرگان فوتبال ایران لذت ببرند. گفته می‌شود که این پیرزن ۹۰ ساله که مادر یکی از لیدرهای قدیمی این باشگاه است، در زمان بدرقه و به عنوان آخرین توصیه از آن‌ها خواسته که با روحیه بالایی به تهران سفر و تلاش کنند تا روند شکست‌ناپذیری خود را برای هفتمین بازی پیاپی مقابل استقلال هم ادامه دهند اما این اولین بار نیست که عشق و علاقه یک مادر بزرگ به فوتبال خبرساز می‌شود. آخرین بار، تصاویر گریه‌ها و دعای مادر سالخورده عیسی آل کثیر در زمان بازی کردن پسرش در لیگ قهرمانان آسیا بود که نشان داد، فوتبال پیرو جوان نمی‌شناسد. مادری که شاید اگر پسرش فوتبالیست نمی‌شد، باز هم به تماشای اتفاقات مستطیل سبز می‌نشست. ننه‌آبی، مادر بزرگ کرمانی، خوزستانی و... نمونه‌های دیگری از مادر بزرگ‌هایی هستند که فوتبال به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی‌شان تبدیل شده است. عشق و علاقه این بانوان نشان می‌دهد نتایج تیم‌های شهرستانی که در هیاهوی تیم‌های تهرانی و مثمول دیده نمی‌شوند چقدر برای مردم شهرشان مهم است. در پرونده امروز زندگی سلام، علاوه بر آشنایی مختصر با این مادر بزرگ‌ها، با این طرفدار ۹۰ ساله «آلومینیوم اراک» که احتمالا پیرترین هوادار زن در ایران است، گفت‌وگویی خواهیم داشت.

پرونده



با منصور خان پور حیدری درباره تاکتیک‌های فوتبالی صحبت می‌کردم

گفت‌وگو با پیرزن ۹۰ ساله‌ای که شب‌های قبل از بازی‌های تیم «آلومینیوم اراک» به خاطر استرس تا صبح خوابش نمی‌برد

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

«نواده علی محمدی هستم، متولد سال ۱۳۰۹ و به قول شما امروزی‌ها، طرفدار ۲ آتشه تیم آلومینیوم اراک»، پیرزن دوست‌داشتنی و سرزنده اراکی با این مقدمه، بارها و بارها در گفت‌وگوی کوتاه و تلفنی که با او داشتیم، از علاقه‌اش به فوتبال و تیم شهرش گفت. شاید باورش سخت باشد اما در این سن و سال، یکی از اصلی‌ترین تفریحاتش، حضور در سر تمرینات تیم محبوبش و تماشای بازی‌های آن است. بازی‌هایی که اگر به بردن ختم نشود، خنده را برای ساعت‌ها از چهره‌اش می‌رباید. گفت‌وگو ما با این پیرزن را که تصاویرش در حال بدرقه تیم آلومینیوم در شبکه‌های اجتماعی پر باز دید شد، بخوانید.

● بازی‌ها را در تلویزیون، تاری می‌بینم

او درباره تماشای بازی‌های تیم محبوبش از تلویزیون می‌گوید: «قدیم که چشم‌هایم بهتر می‌دید، تمام بازی‌های تیم را از تلویزیون استانی می‌دیدم اما الان چون چشم‌هایم ضعیف شده، تصویر را خیلی تاری می‌بینم اما باز هم زمان بازی‌ها به شنیدن صدایش اکتفا می‌کنم. این روزها، بیشتر سر تمرینات تیم می‌روم، بازیکن‌ها هم با احترام زیادی پیش من می‌آیند و من هم به آن‌ها روحیه می‌دهم و می‌گویم که برای موفقیت و پیروزی‌شان هر روز دعا می‌کنم.»

● شب قبل از بازی‌ها خوابم نمی‌برد

این طرفدار دو آتشه درباره این که آیا در زمان دیدن بازی‌ها استرس هم دارد یا نه، می‌گوید: «موقع دیدن بازی‌ها، استرس دارم. از شب قبلش خوابم نمی‌برد و برای بردن تیم‌مان تا صبح دعا می‌کنم. تنها خوشی این روزهای من، پیروزی آلومینیوم است و ان شاء... در بازی برابر استقلال مثل ۷ هفته گذشته، بازی را نمی‌بازیم و تیم با دست پر از تهران به اراک برخواهد گشت.»

● امسال هفتم یا هشتم خواهیم شد

از او می‌پرسم که به جز آلومینیوم اراک، آیا طرفدار تیم دیگری هم هست یا نه، که این‌طور پاسخ می‌دهد: «امن از اول تا آخر عمرم، طرفدار تیم اراک بودم و هستم. می‌دانید که تیم شهر ما تا امروز خیلی اسم داشته، صنایع اراک، شهر داری و... الان نه فقط من که تمام مردم شهر، آقای خطیبی، مربی تیم را دوست دارند و امیدوارند که این تیم، نتایج خوبی کسب کند. اگر اتفاق خاصی برای تیم ما نیفتد، در پایان لیگ امسال، هفتم یا هشتم خواهیم شد که برای اولین فصل حضورمان در لیگ برتر، پایان خوبی خواهد بود.»

● منصور خان به خانه ما می‌آمد

درباره خاطره انگیزترین بازی تیم شهرش می‌پرسم که به آشنایی‌اش با منصور خان پور حیدری ختم می‌شود و می‌گوید: «خاطره انگیزترین بازی‌های تیم اراک، یکی صعودمان به لیگ برتر بود و دیگری یک بازی دوستانه با استقلال بود که آن زمان منصور خان پور حیدری در قید حیات بود. آن بازی را ۲ بر صفر باختیم اما تیم‌مان خیلی خوب بازی کرد و بعدش ناراحت نشدم. منصور خان پور حیدری، زمانی که مدیر فنی تیم اراک بود، زیاد به خانه ما می‌آمد و من با او درباره تیم، نقاط ضعف و قوتش و... صحبت می‌کردم. در ضمن او عاشق آبگوشت بود و هر وقت می‌آمد خانه‌مان، من و بچه‌هایم با او، دور همی آبگوشت می‌خوردیم که خاطراتش از یادم نمی‌رود. خدار حمتش کند این مرد دوست‌داشتنی و خاکی را. من عاشق آقای عابدزاده هم هستم.»

● عروسم باید فوتبالی باشد

این مادر البته گلايه‌ای هم از مسئولان باشگاه دارد که می‌گوید: «چون من فوتبالی هستم، همه دختر و پسرهایم هم فوتبالی شدند و یکی از پسرهایم به نام «اصغر عابدزاده»



لیدر باشگاه اراک هم بوده است. او به خاطر این که تیم لیگ برتر نرفته بود، تصمیم به از دواج نداشت اما الان می‌خواهد زن بگیرد. می‌خواهم برای او یک زن اهل تماشای فوتبال بگیرم. راستی، اگر دوست داشتید این گلابه‌ام را هم چاپ کنید. پسر من تا سال پیش لیدر تیم اراک بود و خیلی برای تیم برحمت کشید اما در فصل جاری از طرف باشگاه به خانه ما نیامدند، به ما احترام نگذاشتند، البته اشکال ندارد چون ما به عشق تیم‌مان این کارها را کردیم.»

لیدری اعتراضات به باشگاه با پشت خمیده

چه کسی؟ مادر بزرگ پرسپولیسی



خرداد سال گذشته بود که هواداران تیم پرسپولیس در اعتراض به مدیریت این تیم و به قول خودشان پراندن برانکو، چند نوبت مقابل دفتر این باشگاه تجمع کردند. در عکس‌ها و فیلم‌هایی که از این اعتراضات منتشر شد، مادر بزرگی دیده می‌شد که با وجود کهولت سن، ولی قیراق و بین جوانان فریاد اعتراض را به گوش مسئولان می‌رساند. او که ساکن کرج است می‌گفت: «فقط پرسپولیس! من و بچه‌هایم با همه و جودمون عاشق پرسپولیس هستیم.» این مادر بزرگ که به شدت هیجانی شده بود و بین تشویق حاضران با صدای رسا صحبت می‌کرد، در پاسخ به سوال خبرنگار که خواسته‌اش را پرسید، گفت: «می‌خواهیم که مدیران استعفا بدهن تا ما ببینیم و بریم. ما می‌خواهیم که پرسپولیس بارسای ایران بشه. ما برانکو رو می‌خواهیم و توقع داریم هر سال پرسپولیس قهرمان شود. از کرج فقط به خاطر پرسپولیس اومدیم.» همان روزها ویدئوی دیگری هم در خبرگزاری‌ها منتشر شد که یک مادر بزرگ پرسپولیسی دیگر، با لهجه شیرین اصفهانی در خواست می‌کرد تا مدیران، برانکو را برای پرسپولیس نگه دارند. همان زمان بود که خبرگزاری‌ها با استناد به این عکس و فیلم‌ها نوشتند: «این سومین روز تجمع پرسپولیسی‌هاست و این عکس برای هزار روز حرف دارد، اگر در گوش آن‌ها که باید برود... از عمر این پیرزن چقدر مانده؟ چند دلخوشی را از او گرفتید؟ کمرش تا شده اما آمده که نشان بدهد مسئله فوتبال، مسئله توپ گرد و چمن نیست صرفاً!»

خواب دیدم که شاهین سقوط کرده است

چه کسی؟ مادر بزرگ بوشهری



دیدم که شاهین به دسته اول سقوط خواهد کرد». در خور ذکر است که شاهین در همین فصل با ۶ برد از ۳۴ بازی، به لیگ دسته اول سقوط کرد.

دی ماه سال ۹۰ بود که بر نامه نود در یکی از گزارش‌هایش در حاشیه اعتراضات هواداران و علاقه‌مندان تیم شاهین بوشهر به نتایج و عملکرد این تیم، با مادر بزرگی گفت‌وگو کرد که با هیجان زیادی می‌گفت: «ما آبرو داریم بوشهر، شخصیت‌مان خرد شده با این باخت‌ها، آیا این بازی است؟ الان هم آدم جلوی مربی تیم را بگیرم و به او بگویم که این چه نوع بازی است؟» او همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار دربارۀ عاقبت شاهین که مورد توجه قرار گرفت، گفت: «میره به دسته صفر! با این نوع بازی که نه دفاع بلد است نه حمله، مطمئن باشید این تیم به دسته‌های پایین‌تر سقوط خواهد کرد. راستش را بخواهید، خواب

هم سری‌آ می‌بینم و هم لالیگا!

چه کسی؟ مادر بزرگ کرمانی

اگر مامان‌ها و مامان بزرگ‌های تیپیکال ایرانی متعجب‌اند این فوتبال که ۲۲ نفر دنبال یک توپ می‌دوند، دیدنش چه جذابیتی دارد اما یک خانم مسن هم در کرمان زندگی می‌کند که اتفاقا خیلی خوب را از دنبال کردن رامی‌فهمد. او که خودش مادر بزرگ است بیش از دودهمه است فوتبال را با تمام احساسش دنبال می‌کند. حافظه خیلی خوبی از وقایع فوتبال دارد. خیلی خوب می‌داند که چطور با گل‌های سردار آزمون و مهدی طارمی به جام جهانی ۲۰۱۸ صعود کردیم. معتقد است که روش

مربی خوبی بوده و تاکتیک و تکنیک خیلی خوبی در زمان مربیگری او داشته‌ایم. او البته طرفدار آبی‌های پایتخت است و از باخت‌ش بریک این تیم برابر العین به عنوان بدترین خاطره‌اش از استقلال یاد می‌کند. علایق فوتبالی مادر بزرگ تنها به فوتبال داخل محدود نمی‌شود و او فوتبال‌های خارجی از لیگ برتر انگلستان گرفته تا لالیگا و سری آ را دنبال می‌کند. بازی‌های کریستیانو رونالدو و مارسلو را خیلی می‌پسندد.

مارسلو را به اندازه یک تیم، توانمند و قوی می‌داند. مربیگری زیدان در رقاب مادرید را می‌پسندد و تیم مورد علاقه‌اش را آرسنال معرفی می‌کند. آن هم به خاطر چند سال مربیگری آرسن و نگر در این تیم. فوتبال واقعا هم عجیب است. آیا آرسن و نگر فکرش را هم می‌کند این سوی دنیا با کیلومترها فاصله، چنین طرفدار باحوصله‌ای در این سن داشته باشد؟

فوتبالیست‌ها وقتی نوبی زمین بازی می‌کنند باید حواس‌شان باشد که حتی کیلومترها آن طرف‌تر در یک روستای کوچک افرادی هستند که چشم به ساق‌های آن‌ها دوخته‌اند و عاشقانه فوتبال را دنبال می‌کنند. ننه‌آبی یکی از همین هواداران دوراماد آتشه است. او به رغم سن بالا لیش با عشق به تیم محبوبش زندگی می‌کند. ننه‌آفتاب معروف به ننه‌آبی، ۸۵ سال دارد و اهل روستایی در کهگیلویه و بویراحمد است. عشق این زن روستایی به استقلال در حدی است که حتی تمام رنگ و لعاب خانه‌اش را هم فراگرفته. دیوارها و وسایل ساده خانه‌اش همه آبی است و پوستر بازیکنان استقلال جای جای خانه دیده می‌شود. این خانم با انرژی البته بیش از همه دوستدار فرهاد مجیدی است و معتقد است تا وقتی او بازی می‌کرد استقلال در اوج بود و استقلال بعد از او مثل قبل نشده است. تاثیر ننه‌آبی بر اطرافیان‌ش هم دیده می‌شود و همه بستگان و خانواده‌اش پایه پای او هوادار آبی‌های پایتخت هستند. ننه‌آبی آلومی قدیمی دارد که در آن عکس تمامی بازیکنان و پیش‌کسوتان تیم آبی پایتخت به چشم می‌خورد. این خانم مسن از حافظه بسیار خوبی هم برخوردار است و مشخصات بازیکنان استقلال را در ادوار مختلف از حفظ است. حافظه ننه‌آبی امروز پر از عشق به آبی‌های پایتخت و بازیکنان این تیم است. بازیکنان استقلال باید بدانند میدان مسابقه آن‌ها فقط در یک مستطیل سبز نیست و امروز آن‌ها دوستدارانی دارند که در آن سوی پایتخت همچنان در سن بالا به انتظار دیدن آن‌ها و بازی‌های جوانمردانه‌شان نشسته‌اند. پسر ننه‌آبی در گفت‌وگویی از عشق ننه برای دیدن بازی‌های استقلال سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: «مادرشان تمامی بازی‌های استقلال را رصد می‌کند و حتی در برخی از بازی‌ها که استقلال در دربی مغلوب رقیب سنتی‌اش شده به دلیل بیماری فشار خون، فشارهای زیادی از لحاظ بیماری بر او تحمیل شده است». این مادر بزرگ بازی‌ها را کارشناسی هم می‌کند و با هیجان و ذوق از اتفاقات بازی‌ها برای اطرافیان‌ش می‌گوید.

چه کسی؟ مادر بزرگ خوزستانی

یکی دیگر از مادر بزرگ‌های فوتبالی، «ام‌لفته» اهوازی ۶۲ ساله است. او که خانه‌اش را به پاتوق فوتبال دوستان محله تبدیل کرده، طاقچه‌هایش پر از جام و مدال و قاب عکس تیم فوتبال محله‌شان در اهواز است. ام‌لفته می‌گوید: «من به خاطر نوه‌ام که همیشه در کنارم است، فوتبالی شدم.» او در نقش تدارکات تیم هم عمل می‌کند و برای هر بازی

تیم‌شان وسایل پذیرایی، چای و میوه آماده می‌کند، اما نقش این مادر بزرگ به همین کار محدود نمی‌شود. او بار دوازدهم تیم فوتبال محله است. علاوه بر تدارکات، مربیگری و هدایت تیم را هم به عهده دارد و برای بچه‌ها تاکتیک هر بازی را مشخص می‌کند! حضورش مایه دلگرمی بازیکنان و هواداران است و به گفته آن‌ها، دنیایی از انرژی و روحیه را با خودش برای تیم می‌برد که حتی بازی باخته را به برد تبدیل می‌کند. به گفته بازیکنان صحبت‌هایش توان بازیکنان را افزایش می‌دهد. همین کارهایش باعث شده تا بازیکنان و هواداران تیم به شدت دوستش داشته باشند و از بودنش در کنار تیم انرژی بگیرند و لذت ببرند. کارهای این مادر بزرگ فقط به این موارد ختم نمی‌شود. او گاهی در نقش داور، خط‌نگه‌دار و توپ جمع‌کن هم ظاهر می‌شود. از این‌ها گذشته مسئولیت پزشکی تیم هم به عهده اوست و به وضعیت بازیکنان مصدوم هم رسیدگی می‌کند! ام‌لفته خوشحال است که این روزها بر خلاف دوران جوانی خودش، خانم‌ها هم می‌توانند فوتبال بازی کنند و حسرت می‌خورد که دیگر پایش توان بازی ندارد. او می‌گوید: «تا وقتی زنده هستم در کنار تیم خواهیم بود و هر کاری از دستم بر بیاید برایشان انجام می‌دهم.» این مادر بزرگ اهوازی که طرفدار علی دایی است، دعا می‌کند تا بچه‌ها هم مثل دایی موفق شوند.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹
۲۰ جمادی الاول ۱۴۴۲ • ۴ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۳۰۵۶۶

۱۷۸۶

پاستیل بخوریم یا نه؟

۲

بهترین رفتار با کودکان کار سرچهاراه‌ها چیست؟

۳

من کارگردان هستم

گفتنی‌های بیژن بیرنگ، کارگردان سریال به یادماندنی «خانه سبز» درباره حرفه کارگردانی

۴